

## چرا نوروز نوروز نامیده شد / روایاتی درباره نوروز

اینکه چرا روز اول فروردین نوروز خوانده می شود داستانهای زیادی زیادی وجود دارد که دانستن برخی از آنها می تواند جالب باشد.



اینکه چرا روز اول فروردین نوروز خوانده می شود داستانهای زیادی زیادی وجود دارد که دانستن برخی از آنها می تواند جالب باشد. درباره اینکه چرا روز اول فروردین را نوروز می نامند بحث های زیادی است. برخی می گویند انگیزه اینکه این روز را نوروز می نامند آن است که چون جمشید به حکومت رسید دین را بازنگری نمود و این کار خیلی بزرگ بود و آن روز را که روز تازه ای بود عید گرفت گرچه بیش از او هم نوروز، بزرگ و پرشکوه بود.

برخی دیگر می گویند چون جمشید برای خود گردونه ساخته و در این روز بر آن سوار شد و دیوان او را در هوا به گردش بردند و یک روز از کوه دماوند به بابل آمد و مردم برای دیدن این کار در شگفت شدند و این روز را جشن گرفتند.

گروهی دیگر بر این باورند که جمشید بیشتر در شهرها گردش می کرد و هنگامی که خواست وارد آذربایجان شود برسریری از زر نشست و مردم به دوش خود آن تخت را می بردند و چون پرتو خورشید بر آن تخت تابید و مردم آن را دیدند این روز را عید گرفتند.

ابوریحان بیرونی می نویسد بسیاری از دانشمندان و حکیمان یونانی هنگام پدیدار شدن "کلب الجبار" (کلب الجبار ستاره ای است به صورت مکعب نام صورت پنجم از صور چهارده گانه جنوبی قلبی و پیشینیان آن را کلب اکبر و شعرای عبور نیز گویند.) را آغاز سال گرفتند و سال خود را به آن ساز کردند و به بر آمدن بهار توجهی نکردند زیرا در روزگاران گذشته پدیدار شدن این ستاره موافق با این انقلاب و یا نزدیک به آن بوده و عید نوروز از جایگاه اصلی خود بیرون رفته و در زمان ما با وارد شدن خورشید در برج حمل (بره) همراه گشته که آغاز بهار شد و رسم خراسانی ها این است که در این هنگام به سپاهیان خود لباس بهاری و تابستانی می دهند.

برخی حشویه می گویند چون سلیمان بن داود انگشتر خویش را گم کرد پادشاهی از دست او بیرون رفت. ولی بار دیگر پس از چهل روز انگشتر خود را یافت و پادشاهی و فرماندهی به او بازگشت و مرغان بر دور او گرد آمدند، ایرانیان گفتند: نوروز آمد، یعنی روزی تازه پیامد.

### روایاتی درباره نوروز

عبدالصمد بن علی در روایتی که به جد خود ابن عباس آنرا می رساند نقل می کند که در نوروز جامی سیمین که پر از حلوا بود برای پیغمبر هدیه آوردند و آن حضرت پرسید که این چیست ؟ گفتند امروز نوروز است. پرسید که نوروز چیست؟ گفتند عید بزرگ ایرانیان است. فرمود آری در این روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد. پرسیدند عسکره چیست. فرمود عسکره هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ ترک دیار کرده و سر به بیابان نهادند و خداوند به آنان گفت بمیرید و مردند. سپس آنان را زنده کرد و ابرها را امر فرمود که به آنان ببارد از این روست که پاشیدن آب در این روز رسم شده. سپس از آن حلوا تناول کرد و جام را میان اصحاب خود قسمت کرده و گفت کاش هر روزی برای ما نوروز بود.

درباره نوروز از ائمه معصوم(س) روایات زیادی در کتاب های حدیث نقل شده است که معروفترین آنها روایت علی بن خنیس است که از نظر صحت سند و سلامت راوی مورد تایید محدثین است. علی بن خنیس می گوید: بر امام صادق (ع) در نوروز وارد شدم. فرمود: این روز را می شناسی؟ عرض کردم قربانت گردم این روزی است که عجم آن را بزرگ می شمردند و به یکدیگر هدیه می دهند.

حضرت فرمود: قسم به بیت عتیق که در مکه است این نیست مگر به جهت امری قدیم که برای تو تفسیر می کنم... نوروز روزی است که خداوند (در عالم ذر) از انسانها پیمان گرفت که بندگی و عبودیت او را گردن گذارند و به پیامبرانش ایمان آورند و دستورهای آنان را بپذیرند. آن نخستین روزی است که خورشید بتابید و بادهای بار دهنده وزیدن گرفت و گل و گیاهان روی زمین روییدن گرفت. آن روزی است که فرشته وحی بر پیامبر اسلام (ص) نازل شد. آن روزی است که ابراهیم خلیل بت ها را در هم شکست و تخت فرعون زمان خود را لرزاند. روزی است که امام علی (ع) بتهای درون خانه کعبه را به زیر افکند و نابود کرد. آن روزی است که کشتی نوح پس از طوفان بر کوه جودی (آارات فعلی) قرار گرفت. آن روزی است که قائم ما در آن روز ظهور

خواهد کرد و هیچ روز نوروز نیست مگر در آن توقع فرج داریم، به آن جهت که نوروز از روزها ما و روزهای شیعه ماست. عجم آن را حفظ کرد و شما اعراب آن را تزیین کردید.

معلی بن خنیس در جای دیگر درباره نوروز از امام صادق(ع) چنین نقل می کند: " همانا نوروز روزی است که پیامبر (ص) عهد و پیمان ها را، برای امیرالمؤمنین (ع) گرفت و آن روزی است که حضرت بر اهل نهروان پیروز شد.